



بازاندیشی جامعه‌شناختی هیأت به‌مثابه حوزه عمومی قدسی (مطالعه موردی «هیأت تارالله» زنجان)

کوشش همیشه بیگدلی / دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

meisambigdeli@rihu.ac.ir
islamitanha12@gmail.com

 orcid.org/0000-0001-6658-8212

اصغر اسلامی تنها / استادیار گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷

چکیده

آیین سوگواری امام حسین^ع همواره در تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی نقش بسزایی در جبهه مردمی ایفا کرده و این ناشی از ظرفیت عظیم نهفته در نهضت عاشورا است. بر این اساس این فرضیه به ذهن متبادر می‌شود که هیأت به‌عنوان الگوی رایج امروزی آیین سوگواری امام حسین^ع می‌تواند به‌مثابه حوزه عمومی قدسی عمل نماید. از این رو پژوهش حاضر به چرایی، چیستی و چگونگی هیأت به‌مثابه حوزه عمومی قدسی می‌پردازد. این پژوهش از مفهوم «حوزه عمومی» یورگن هابرماس بهره گرفته است. با استفاده از روش «تحلیل مضمون» و ابزار مصاحبه، «هیأت تارالله» زنجان برای نمونه مطالعه و بررسی انتخاب شده است. براساس نتایج تحقیق، در نقطه مقابل «حوزه عمومی غربی»، «حوزه عمومی قدسی» قرار دارد که مبتنی بر عقلانیت و حیانی و ارزش‌های الهی است. مؤمنان براساس کنش ولایی همراه با مودت و محبت، یکدیگر را به ارزش‌های الهی فرامی‌خوانند. کنش ولایی نه‌تنها عقلانیت، بلکه عاطفه و احساس را نیز دربر می‌گیرد و صرفاً به کنش زبانی اختصاص ندارد، بلکه کنش غیرزبانی را نیز شامل می‌شود. هیأت از طریق «کنش زبانی» (یعنی استفاده از ظرفیت مداحی و سخنرانی) و همچنین «کنش غیرزبانی» همچون فعالیت‌های اجتماعی در جهت عدالتخواهی، مطالبه‌گری و محرومیت‌زدایی می‌تواند در شکل‌گیری افکار عمومی و تأثیرگذاری بر ساختار اجتماعی نقش بسزایی ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: حوزه عمومی، هابرماس، عقلانیت ارتباطی، کنش ارتباطی، افکار عمومی، کنش ولایی.

در فرهنگ شیعی ایرانی، کلیدی‌ترین و محوری‌ترین جایی که می‌توان روح این فرهنگ را دید، ماه محرم و عزاداری تاسوعا و عاشورا است. این تجلیگاه روح شیعی، نه تنها بنیان‌های اعتقادی و ارزشی، که حتی بنیان‌های عاطفی و روحی فرهنگ شیعی را نیز به نمایش می‌گذارد (رحمانی، ۱۳۹۲، ص ۱۱).

با بررسی تاریخ اجتماعی شیعه، می‌توان دریافت که آیین عزاداری و سوگواری امام حسین علیه السلام نقش پررنگی در تاریخ تحولات اجتماعی و سیاسی جوامع شیعی ایفا نموده و همواره منشأ و بستر رخدادهای بزرگی بوده و توانسته است به‌مثابه یک اصلاحگر اجتماعی عمل نماید؛ زیرا عاشورا، نه یک رویداد تاریخی صرف، بلکه یک گفتمان و نظام فرهنگی است. نهضت عاشورا از یک سو ارائه‌دهنده ارزش‌های الهی و از دیگر سو دارای رویکردی «انقلابی و حماسی» و دربرگیرنده مضامین اجتماعی و سیاسی است که جامعه شیعی را به انقلاب علیه ظلم و استبداد و برپایی ارزش‌های الهی در مقابل ارزش‌های مادی و شیطانی فرامی‌خواند.

فرهنگ عاشورا فرهنگ متعلق به حکومت نیست، فرهنگ مردم شیعه است. به همین دلیل همیشه بخش اعظم این فرهنگ بیرون از اراده و قدرت حکومت‌ها بوده و هست. همین بخش مردمی است که حیات اصلی و جریان خلاق فرهنگ را تضمین می‌کند (همان، ص ۱۴).

مجموع این ویژگی‌ها (یعنی «تأثیرگذاری بر ارزش‌های جامعه و افکار عمومی»، «رویکرد اصلاحی و انقلابی نسبت به نظام اجتماعی و سیاسی» و از همه مهم‌تر «مردمی بودن» و «خارج از حکومت بودن») این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که «آیین عزاداری» به اصطلاح جامعه‌شناختی، می‌تواند به‌مثابه «حوزه عمومی» عمل کند.

«حوزه عمومی» نظریه‌ای است که از جانب یورگن هابرماس فیلسوف اجتماعی آلمانی مطرح شده و به دنبال بر ساخت جامعه آلمانی غربی است که براساس مبانی اندیشه غربی شکل گرفته است. این پژوهش می‌کوشد تا به بازاندیشی جامعه‌شناختی این مفهوم در فضای شیعی ایرانی بپردازد.

نهضت عاشورا و آیین سوگواری امام حسین علیه السلام در قالب‌ها و شکل‌های گوناگونی تجلی پیدا می‌کند؛ همچون تعزیه‌خوانی، پرده‌خوانی، روضه‌خوانی، منقبت‌خوانی و مانند آن. لیکن امروزه «هیأت» بارزترین شکل آیین سوگواری امام حسین علیه السلام شناخته می‌شود. از این رو برای بازاندیشی مفهوم «حوزه عمومی» در بستر فرهنگی شیعی، «هیأت» را کانون مطالعه و بررسی جامعه‌شناختی قرار داده‌ایم.

مسئله اصلی این پژوهش بررسی چرایی، چیستی و چگونگی هیأت به‌مثابه «حوزه عمومی قدسی» است تا در نهایت، با پاسخ به این مسئله با رویکردی جامعه‌شناختی، به بازاندیشی مفهوم «حوزه عمومی» در فرهنگ شیعی و متناسب با مبانی اندیشه اسلامی بپردازد.

سؤالات فرعی این پژوهش عبارتند از:

۱. فلسفه وجودی (چرایی) هیأت به‌مثابه حوزه عمومی قدسی چیست؟

۲. ماهیت و ویژگی‌های هیأت به‌مثابه حوزه عمومی قدسی چیست؟

۳. چگونه هیأت به‌مثابه حوزه عمومی قدسی عمل می‌نماید؟

۱. بررسی مفاهیم

واژه «هیئت» در لغت به معنای «شکل، حالت هر چیز، حال چیزی و چگونگی آن و شکل و صورت آن، گونه، طرز و...» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴، ص ۲۰۸۶۸) آمده است. اما واژه هیئت در فرهنگ دینی معنای اصطلاحی دیگری دارد.

استفاده از واژه «هیأت» برای نامیدن مجالس سوگواری پندان قدمتی ندارد و سابقه‌ای کمتر از یک قرن دارد. طبق تعریف، «هیأت» یک گروه اجتماعی، با سابقه تاریخی مشخص و تجمعی از افرادی است که با زنده نگاه داشتن یاد و خاطره یک مناسبت مذهبی (اعیاد، ایام ولادت و شهادت ائمه علیهم‌السلام) با محوریت واقعه عاشورا و قیام امام حسین علیه‌السلام و براساس ساختار دوگانه واعظ (سخنران، منبری) - ذاکر (مداح، روضه‌خوان) تشکیل می‌شود و اعضا از طریق روش‌های معمول و آدابی مشخص (سینه‌زنی، زنجیرزنی، دست زدن و...) سوگواری یا شادمانی می‌کنند. شرکت در آن نیز اختیاری و بر اساس یک اعتقاد و باور درونی است (مظاهری، ۱۳۸۹، ص ۲۷۵).

این پژوهش مطالعه‌ای صرفاً نظری نیست. از این رو «هیأت ثارالله؛ رهروان امام و شهدا» زنجان را به‌عنوان نمونه مطالعه انتخاب کرده‌ایم تا به طور عینی و میدانی به مطالعه هیأت بپردازیم.

۲. پیشینه بحث

پیش از این پژوهش، آثار و مطالعاتی جامعه‌شناختی و انسان‌شناسی فرهنگی درباره مسئله «هیأت» انجام شده که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

مقاله «اصلاح و سازماندهی محافل و مجامع دینی» (کچوئیان، ۱۳۷۵)؛

کتاب *رسانه تسبیح* (مظاهری، ۱۳۸۷)؛

کتاب *تغییرات مناسک عزاداری محرم* (رحمانی، ۱۳۹۳)؛

کتاب *اصلاح ساختاری و غنی‌سازی محتوایی مراسم دینی* (قبادی، ۱۳۹۵)؛

کتاب *هیأت‌های عزاداری در جامعه ایرانی* (رحمانی، ۱۳۹۲)؛

کتاب *تراژدی جهان اسلام؛ عزاداری شیعیان ایران به روایت سفرنامه‌نویسان، مستشرقان و ایران‌شناسان*

از صفویه تا جمهوری اسلامی (مظاهری، ۱۳۹۷)؛

کتاب *عاطفه‌گرایی و عقل‌گرایی در مراسم مذهبی* (قبادی، ۱۳۹۷).

به طور کلی، آثاری که در پیشینه تحقیق مدنظر قرار گرفته به موضوعات «بررسی ماهیت و ساختار هیأت به مثابه یک سازمان مذهبی و گونه‌شناسی آن»، «هیأت و آیین سوگواری از منظر مستشرقان و سفرنامه‌نویسان»، «رابطه هیأت با قشر بندی اجتماعی» و همچنین «آسیب‌شناسی هیأت‌ها و مسئله عزاداری» می‌پردازند. اما پژوهش حاضر به بررسی این موضوع می‌پردازد که آیا هیأت عزاداری می‌تواند به مثابه حوزه عمومی قدسی عمل نماید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، هیأت عزاداری چگونه به مثابه حوزه عمومی عمل می‌کند؟

بنابراین موضوعات و مسائل مطرح‌شده در آثار دیگران، مسئله اصلی این پژوهش را دربر نمی‌گیرند، هرچند در بخش‌های گوناگون این پژوهش از این آثار بهره برده‌ایم. در نتیجه این پژوهش درصدد است تا هیأت‌های عزاداری را از زاویه‌ای دیگر و نگاهی نو بررسی کند.

در انجام این پژوهش از روش کیفی «تحلیل مضمون» استفاده شده است. روش «تحلیل مضمون» به پژوهشگر کمک می‌کند به شناسایی مضامین مختلف پردازد تا در پی شناخت این مضامین، به شناخت چرایی و چستی دست یابد. همچنین با ترسیم شبکه مضامین، «چگونگی» را نیز می‌توان تحلیل کرد.

برای گردآوری داده‌ها از روش «مصاحبه» و پرسش‌های نیمه‌ساختمند استفاده شده است. پس از انجام مصاحبه‌ها و تبدیل آن به متن، با استفاده از روش «تحلیل مضمون»، مضامین اصلی سازمان‌دهنده و فراگیر را استخراج و سپس به ترسیم شبکه مضامین اقدام گردیده است. روش استخراج و تحلیل مضامین به صورت «دستی» بوده است.

جامعه آماری برای مصاحبه نیز به صورت هدفمند تعیین و سعی شده است تا با اعضای اصلی و تأثیرگذار هیأت و همچنین با اعضای عادی شرکت‌کننده در مراسم مصاحبه عمل آید و ۲۰ مصاحبه در همین زمینه انجام گرفته است.

۳. ادبیات نظری

مفهوم «حوزه عمومی» کلیدواژه اصلی ادبیات نظری این پژوهش است. هرچند بسیاری از اندیشمندان درباره این مفهوم سخن گفته‌اند، اما مفهوم «حوزه عمومی» بیشتر با نام یورگن هابرماس فیلسوف آلمانی گره خورده است. تعریف هابرماس از این مفهوم چنین است:

«حوزه عمومی بورژوازی» در وهله اول، قلمروی بود که در آن افراد خصوصی گرد هم می‌آمدند و «عموم» را شکل می‌دادند. این افراد به تدریج توانستند «حوزه عمومی تحت کنترل دولت» را زیر سیطره خود درآورند و اقتدار دولت را به چالش کشند... ابزار اصلی آنها در این منازعه سیاسی، ابزاری جدید و بدون سابقه تاریخی بود: استفاده عمومی از خرد جمعی (هابرماس، ۱۳۹۲، ص ۵۳).

«حوزه عمومی» بورژوازی در برهه‌ای از تاریخ جامعه غربی تحت شرایط تاریخی و اجتماعی خاصی به وقوع پیوست و سپس در پی عللی دچار افول گردید و هابرماس دغدغه تجدید و احیای آن را در دوران معاصر در سر دارد.

هابرماس تجدد (مدرنیته) را نه یک دوره تاریخی، بلکه یک طرح و برنامه می‌داند که هنوز دچار نقصان و کاستی است و باید آن را تکمیل کرد. از این رو وی درصدد است تا با برساخت «حوزه عمومی غربی»، تجدد را تکمیل و جامعه مطلوب غربی را ترسیم کند.

افراد در نهادهای «حوزه عمومی» (یعنی قهوه‌خانه‌ها و تالارها) گرد هم می‌آمدند و فارغ از هرگونه تفاوت منزلت و جایگاه، در شرایطی برابر و صرفاً مبتنی بر استدلال، به گفت‌وگو و مباحثه انتقادی می‌پرداختند. هدف اصلی «حوزه عمومی» آشنا کردن دولت با نیازها و خواست‌های جامعه مدنی و وضع قوانینی در جهت «خیر همگانی» بود.

هدف اصلی افکار عمومی، نه کسب قدرت، نه کنترل قدرت و حتی نه تولید قدرت بود، بلکه تغییر سلطه از طریق بحث عمومی انتقادی بود (همان، ص ۱۳۵).

از دیدگاه هابرماس قوانینی که از دل «حوزه عمومی» بیرون می‌آیند سلطه محسوب نمی‌شوند؛ زیرا این قوانین حقیقی هستند، او معیار حقیقت را «عموم مردم» می‌داندست و چون سلطه پادشاه شخصی بوده و از جانب مردم نیست، نمی‌تواند حقیقی باشد و سلطه محسوب می‌شود. پس باید این سلطه شکسته شود.

اما این افراد جدای از هم و مستقل چگونه با بحث‌های انتقادی می‌توانستند اقتدار دولت را به چالش بکشند و شرایط اجتماعی و سیاسی را به نفع خیر همگانی رقم بزنند؟ پاسخ این پرسش را باید در مفهوم «افکار عمومی» جست‌وجو کرد.

«افکار عمومی» به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که در نیمه دوم قرن هیجدهم شکل گرفت و به معنای «تأملات انتقادی عموم» بود؛ افراد یا جماعتی که در طرح قضاوت‌های خود مستقل و آزاد بودند (همان، ص ۱۴۸).

افراد در فرایند مباحثه‌های آزاد و پذیرش استدلال برتر، به نقطه اشتراکی به نام «افکار عمومی» می‌رسیدند و همین امر آنان را به یک جماعت یا جمهور تبدیل می‌کرد.

همزمان با افزایش اقتدار و نفوذ افکار عمومی، «افکار عمومی» به تدریج به‌عنوان دشمن مشروعیت قدرت‌های مبتنی بر حکومت غیردموکراتیک و بسته مطرح شد (گوردون، ۱۳۹۷، ص ۳۲).

ویژگی بارز «افکار عمومی» عبارت بود از: ماهیتی انتقادی که ماحصل یک مباحثه عقلانی بود. افکار عمومی از پایین به بالا بود؛ یعنی از جانب جامعه مدنی و عموم مردم علیه دولت و سلطه حکومتی بود.

هابرماس نظام اجتماعی و سیاسی مطلوب خود را در یک دولت مردم‌سالار (دموکراتیک) مبتنی بر جامعه مدنی جست‌وجو می‌کند. او دو حوزه بنیادی را برای سیاست ترسیم می‌کند: «حوزه سیاسی رسمی» و «حوزه سیاسی غیررسمی».

«حوزه سیاسی غیررسمی» که همان «جامعه مدنی» است، به کنشگران، انجمن‌ها و احزابی سیاسی اطلاق می‌شود که خارج از حوزه قدرت رسمی هستند و هدف آن نیز تصمیم‌گیری نیست. در مقابل، «حوزه سیاسی رسمی» قرار دارد که به عرصه‌های نهادینه شده گفتمان و ارتباط مربوط می‌شود که به‌ویژه برای تصمیم‌گیری ایجاد گردیده‌اند. برای نمونه می‌توان از مجلس، هیأت دولت، انجمن‌های منتخب و احزاب سیاسی نام برد (همان، ص ۱۵۱).

یک نظام سیاسی هنگامی می‌تواند نقش خود را به بهترین وجه ایفا کند و کارکرد مناسبی را از خود به نمایش بگذارد که تحت تأثیر جامعه مدنی و افکار عمومی به وضع قوانین پردازد و جامعه را متناسب با افکار عمومی مدیریت کند؛ یعنی «حوزه سیاسی رسمی» تحت نفوذ «حوزه سیاسی غیررسمی» باشد.

۱-۳. دین در حوزه عمومی

هابرماس در آثار اولیه خود، به‌ویژه در کتاب *دگرگونی ساختاری حوزه عمومی و کنش ارتباطی* جامعه امروزی را کاملاً غیردینی (سکولار) ترسیم می‌کند و هیچ جایگاهی برای دین در عرصه عمومی قائل نمی‌گردد. اما وی با گذشت زمان و روی دادن اتفاقاتی، نظریه خود درباره «دنیاگرایی» (سکولاریزاسیون) را اصلاح کرد و از «سکولاریسم» به «پست‌سکولاریسم» عبور کرد. او به این باور رسید که دین را نمی‌توان از عرصه حیات عمومی جوامع محو کرد و اکنون نیز دین در بسیاری از جوامع نقش پر قدرتی ایفا می‌کند. از همین رو نظریه جدید خود را با عنوان «لیبرالیسم توجیهی» یا «پست سکولاریسم» معرفی می‌نماید (ر.ک: زارعی، ۱۳۹۴).

همچنان که گذشت، آیین سوگواری امام حسین علیه السلام از برخی ویژگی‌ها (همچون «تأثیرگذاری بر ارزش‌های جامعه و افکار عمومی»، «رویکرد اصلاحی و انقلابی نسبت به نظام اجتماعی و سیاسی» و از همه مهم‌تر «مردمی بودن» و «خارج از حکومت بودن») برخوردار است و در طول تاریخ از دوران امامان معصوم علیهم السلام تا انقلاب اسلامی ایران، همواره توانسته ظهور اجتماعی داشته باشد و در برخی برهه‌ها به‌مثابه «حوزه عمومی قدسی» عمل نماید. از جمله این برهه‌ها، دوران انقلاب اسلامی ایران است که بسیاری از فعالیت‌های سیاسی کنشگران مذهبی در بستر آیین سوگواری امام حسین علیه السلام و هیأت‌های عزاداری رخ داد و از این طریق افکار عمومی علیه حکومت شکل گرفت و در نهایت، بر ساختار اجتماعی و سیاسی تأثیری شگرف بر جای نهاد (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: مظاهری، ۱۳۸۹؛ حسینیان، ۱۳۸۲).

۴. یافته‌های تحقیق: مطالعه «هیأت ثارالله» زنجان

بعد از انقلاب اسلامی ایران که «دین» و «حکومت دینی» هدف اصلی آن بود، زمینه مناسبی برای گسترش هیأت‌های عزاداری فراهم شد. در دوران پس از انقلاب، بنا بر رویدادها و تغییرات اجتماعی و سیاسی و حتی پیشرفت‌هایی که در عرصه فناوری رخ داد، هیأت‌های عزاداری نیز تحولاتی را پشت سر گذاشته و انواع گوناگونی را دربر گرفته‌اند.

«هیأت ثارالله؛ پیروان امام و شهدا» زنجان یکی از هیأت‌های شناخته‌شده کشوری است که با مداحی حاج مهدی رسولی، از هیأت‌های برجسته و نمونه کشوری محسوب می‌گردد. مراسم عزاداری محرم این هیأت هرساله با حضور چشمگیر هزاران تن، به‌ویژه جوانان برگزار می‌گردد. مراسم این هیأت از رسانه ملی نیز پخش می‌شود. این هیأت نمونه‌ای از هیأت‌هایی شناخته می‌شود که گفتمان اسلام سیاسی بر آن حاکم بوده و از رویکرد اجتماعی برخوردار است و فعالیت‌های گوناگون فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را در زمینه ایجاد جامعه آرمانی انجام می‌دهد.

با در نظر گرفتن مجموع ویژگی‌های مزبور، این هیأت را به‌عنوان نمونه برگزیده شد تا با مطالعه آن به این سؤال پاسخ دهیم که هیأت چرا، با چه ویژگی‌هایی (چیستی) و چگونه می‌تواند به‌منابه «حوزه عمومی قدسی» عمل نماید؟

برای پاسخ به این سؤال باید حالت آرمانی و واقعیت‌های عینی را هم‌زمان بررسی کنیم. از این‌رو هم از نظرات مصاحبه‌شوندگان و هم از تجربه‌های آنها سؤال می‌گردد.

۴-۱. سوالات مصاحبه

۱. هدف و انگیزه شما از حضور در هیأت عزاداری چیست؟
۲. تفاوت هیأت با سایر گروه‌هایی‌ها، همچون حضور در قهوه‌خانه در چیست؟
۳. چرا باید هیأت عزاداری برگزار نماییم و هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی را صرف برگزاری هیأت کنیم؟
۴. هیأت چه وظایفی بر عهده دارد؟
۵. بعد از شرکت در مراسم، چه احساس و تغییری در روحیه، اخلاق و رفتار شما به وجود می‌آید؟
۶. از سایر عزادارانی که در هیأت شما شرکت می‌کنند، چه بازخوردهایی دریافت نموده‌اید؟
۷. آیا هیأت می‌تواند اصلاحگر و تأثیرگذار در جامعه باشد (در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی؟) به عبارت دیگر، هیأت در زمینه مسائل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی چه وظیفه‌ای دارد؟
۸. هیأتی که رویکرد اجتماعی دارد، از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟

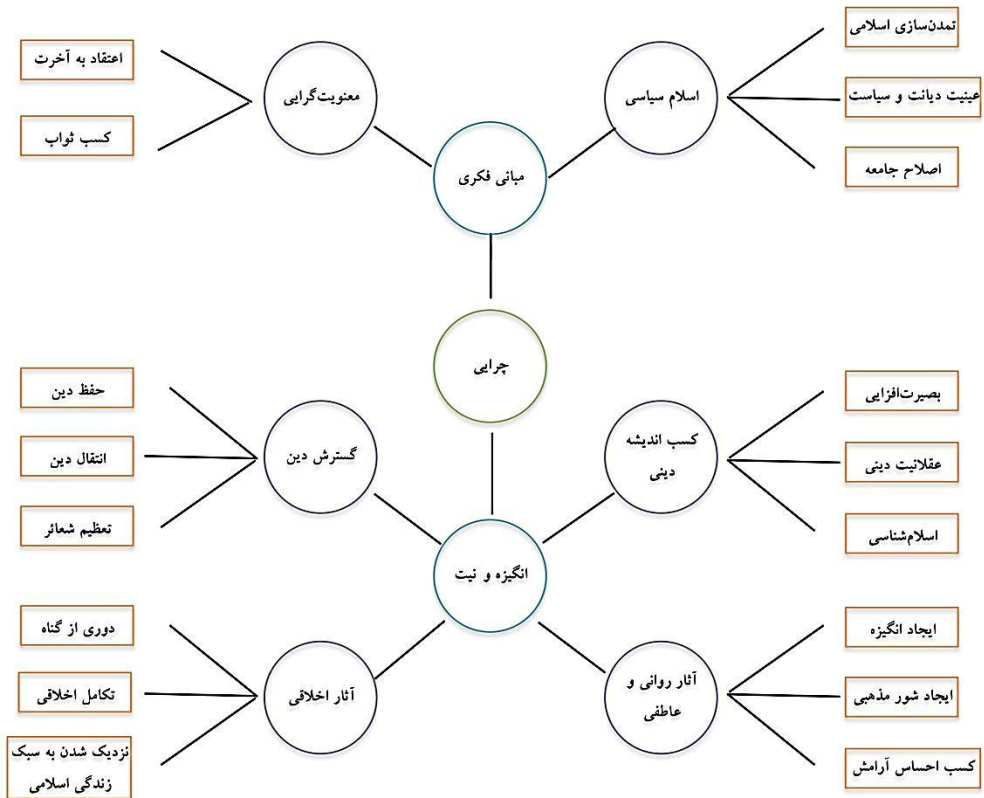
۹. مدیران این هیأت‌ها، اعم از سخنران، مداح، مدیران برگزاری و اجرایی چه کسانی باید باشند؟ (به عبارت دیگر، از نظر تحصیلات، توانایی‌های فردی، درجه ایمان، سن و مانند آن چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند؟)

۱۰. چگونه هیأت در مسائل گوناگون اجتماعی - اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی - می‌تواند وارد شود و مشکلات را حل کند؟

۱۱. لطفاً تجربه‌های هیأت خود را بازگو کنید؟ چه آثار و بازخوردهایی پس از انجام این فعالیت‌ها دریافت کرده‌اید؟

۲-۴. چرایی هیأت

در فرایند گردآوری داده‌ها ابتدا سؤالاتی درباره «چرایی» هیأت مطرح شده است؛ اینکه هدف از حضور در هیأت‌های عزاداری چیست؟ و اساساً با چه هدفی هیأت‌های عزاداری را برگزار می‌کنیم؟ از میان پاسخ‌ها، مضامین متعددی استخراج گردیده‌اند. تمامی مضامین به‌دست‌آمده از این تحلیل در شبکه مضامین ذیل ارائه می‌گردند:



نمودار ۱: چرایی هیأت

مبانی فکری	اسلام سیاسی	عینیت دیانت و سیاست تمدن‌سازی اسلامی اصلاح جامعه	قیام امام حسین (ع) یک قیام سیاسی - اجتماعی بود. دین کل ابعاد زندگی در عرصه‌های فردی و اجتماعی را شامل می‌شود. یکی از تأثیرهای مهم هیأت انقلاب اسلامی است. اکنون هم اگر بخواهد پابرجا بماند باید با روضه و جریان سیدالشهدا (ع) بماند.
	معنویت‌گرایی	اعتقاد به آخرت کسب ثواب	به نظر من جایگاه مداحان کم نیست. حضرت آقا فرمودند: من از این آقایان تمدن نوین اسلامی را می‌خواهم. بچه‌هایی غیر از ساختاری که باید شکل بگیرد تا خود انسان ساخته شود، ساختاری باید شکل بگیرد که جامعه هم ساخته شود. هدف از قیام سیدالشهدا (ع) اصلاح جامعه و ساختن جامعه اسلامی بود.
چرایی	کسب اندیشه سیاسی	بصیرت‌افزایی	هیأت موجب رشد روحی و معنوی فرد و جامعه می‌شود. التزام معنویت‌گرایی با آخرت‌گرایی، استفاده معنوی از محیط و جو هیأت
		عقلانیت دینی	گریه کردن علاوه بر ثواب شخصی، پایه‌های دین اسلام را محکم می‌کند.
		اسلام‌شناسی	هیأت می‌خواهد نیرو تربیت کند، می‌خواهد افرادی که حسین‌شناس هستند و در گرد و غبار فتنه‌ای که اتفاق می‌افتد، خوب و بد را از هم تشخیص دهند؛ راه را از بیراهه تشخیص دهند.
انگیزه و نیت	آثار روانی و عاطفی	ایجاد انگیزه ایجاد شور مذهبی کسب احساس آرامش	اگر ما می‌خواهیم هیأت مذهبی تشکیل شود شما اگر براساس عقلانیت حرکت نکنید خروجی نفرت هیچ تفاوتی با مردم عادی بالا بردن اطلاعات و معرفت درون‌دینی اعضای هیأت بهره‌مندی از معارف اهل بیت (ع)
		حفظ دین	ایجاد حالت نشاط و ایجاد انگیزه برای انجام کارهای خوب کمک گرفتن از عواطف مردم و ایجاد انگیزه
		تعمیر شعائر	وظیفه اول هیأت ایجاد شعور حسینی در شرکت‌کنندگان و بعد زنده نگه داشتن شور حسینی در افراد است. فرار گرفتن در حال و هوای شور مذهبی
گسترش دین		انتقال دین	با حضور در هیأت احساس خوب بودن دارم. هدف از حضور در هیأت ایجاد حس خوب و حالت نشاط است. احساس سبکی و نشاط در روحیه‌ام دارم.

			<p>دوری از گناه تکامل اخلاقی</p>	<p>گریه کردن علاوه بر ثواب شخصی، پایه‌های دین اسلام را محکم می‌کند. در غدیر هیاهو به راه نینداختیم، آن را از دست دادیم. هدف قیام امام حسین <small>علیه السلام</small> جلوگیری از حذف و نابودی دین اسلام بود.</p>
			<p>نزدیک شدن به سبک زندگی اسلامی</p>	<p>دین اسلام به سبب این هیأت‌ها به ما رسیده و این احکام و معارف به واسطه این هیأت‌ها به منتقل شده است. هیأت‌گردهمایی صورت‌گرفته برای تفریح و مانند آن نیست، بلکه حول یک محور معنوی و برای تعظیم شعائر اسلامی، دین نیاز به اعلام حضور دارد.</p>
		<p>آثار اخلاقی</p>		<p>«حسینی» واقعی کسی است که از گناه فرار کند؛ زمینه گناه را دید دوری کند. وجود آثار تربیتی در خود و خانواده؛ در راستای تکامل روحی و معنوی است و انسان می‌تواند خود را انسان کامل نزدیک کند. انسان کامل مدنظر ما یعنی: اهل بیت عصمت و طهارت است. برای اینکه بفهمیم اینان چگونه زندگی کرده‌اند، یکی از جاهایی که می‌توانیم بفهمیم هیأت است. تطبیق هرچه بیشتر سبک زندگی خود با معیارهای ارائه‌شده در حرکت عاشورا.</p>

جدول ۱: چرایی هیأت

نخستین مسئله‌ای که حائز اهمیت است کشف این موضوع است که اساساً هدف از برگزاری عزاداری چیست؟ نوع نگاه و رویکردی که نسبت به این موضوع داریم در شناخت ماهیت و نحوه عملکرد هیأت بسیار تعیین‌کننده است و رابطه مستقیمی با «چیستی» و «چگونگی» هیأت دارد.

اولین گام ضروری و بنیادین برای شکل‌گیری «حوزه عمومی» اتخاذ رویکردی اجتماعی و سیاسی با هدف تأثیرگذاری بر ساختار اجتماعی و اصلاح آن است. هیأت‌عزاداری نیز بدون اتخاذ چنین رویکردی نمی‌تواند به‌مثابه «حوزه عمومی» عمل کند. بنابراین باید ابتدا به تبیین نگرش و رویکردی که بر هیأت‌عزاداری حاکم است، پرداخت. در همین زمینه در مصاحبه‌های انجام گرفته سؤالاتی مطرح شد تا رویکرد حاکم بر «هیأت‌تارالله» زنجان کشف شود.

«مبانی فکری» و «انگیزه و نیت» دو مضمون فراگیری هستند که در سؤال از «چرایی» از مصاحبه‌های انجام گرفته، استخراج گردیده‌اند.

مطابق مضامین استخراج‌شده، مضمون «مبانی فکری» خود دارای دو مضمون سازمان‌دهنده «اسلام سیاسی» و «معنویت‌گرایی» است.

گفتمان «اسلام سیاسی» مبنای بنیادینی است که در شکل‌گیری این هیأت نقش بسزایی ایفا کرده است. مضامین «تمدن‌سازی»، «عینیت دیانت و سیاست»، و «اصلاح جامعه» نیز در ذیل مضمون سازمان‌دهنده «اسلام سیاسی» مضامین اصلی به‌شمار می‌آیند. همچنین قابل ذکر است که این مضامین اصلی از مضامین پرتکرار بوده و مصاحبه‌کنندگان توجه ویژه‌ای بدان مبذول داشته‌اند.

مطابق این دیدگاه، اسلام دینی است که برای تمام ابعاد و ساحت‌های زندگی فردی و اجتماعی برنامه دارد و باید دین در عرصه کلان اجتماعی و سیاسی ایفای نقش کند. در این رویکرد، «دین» با «سیاست» یکی پنداشته می‌شود و اصلاح ساختار سیاسی و اجتماعی بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای توحیدی و الهی از مهم‌ترین اهداف دین است. «امام»، نه به‌عنوان یک استاد اخلاق، بلکه به‌عنوان یک زمامدار و رهبر جامعه مطرح است.

این رویکرد تفسیری سیاسی اجتماعی از قیام عاشورا ارائه می‌دهد که هدف سیدالشهداء^ع برپایی جامعه آرمانی مبتنی بر اسلام نبوی بوده است. «هیأت» نیز در امتداد این جریان تعریف می‌شود؛ یعنی هیأت نیز باید در مسیر جامعه‌سازی و تمدن‌سازی گام بردارد.

در نقطه مقابل «اسلام سیاسی»، «اسلام فردی و عرفانی» قرار دارد که از آن با نام «اسلام سنتی» نیز یاد می‌شود. در «اسلام سنتی» بر منفک بودن مقوله دین از حکومت و سیاست تأکید می‌شود و تمرکز بیشتر بر حوزه عبادی و فردی دین است. «اسلام سنتی» اسلامی است که داعیه آبادانی دنیا را ندارد و برای رستگاری اخروی اصالت قایل است (مظاهری، ۱۳۸۹، ص ۳۲۵).

بنابراین هدف از شرکت در مراسم عزاداری مطابق این گفتمان، کسب اجر معنوی و تصفیه روح و روان از آلودگی گناهان است؛ زیرا جاری کردن اشک بر امام حسین^ع موجب آموزش تمامی گناهان فرد می‌گردد و در نهایت، بهشت برین را به ارمغان خواهد آورد.

بنابراین در صورتی که «اسلام سنتی» بر هیأت‌های عزاداری حاکم باشد، هیأت ظرفیت و استعداد تبدیل شدن به «حوزه عمومی» را نخواهد داشت. در مقابل، «اسلام سیاسی» و همچنین قرائت انقلابی از واقعه عاشورا همواره در پی تأثیرگذاری بر ساختار اجتماعی و اصلاح جامعه است و - همچنان که بیان گشت - در برخی برهه‌های تاریخی این دسته از هیأت‌ها تحولات اجتماعی و سیاسی عمیقی را از خود برجای گذاشته‌اند.

مضمون دیگری که در کنار «اسلام سیاسی» مطرح شده مضمون «معنویت‌گرایی» است. مضمون «معنویت‌گرایی» شارح تمایزاتی است که بین «نگاه ملکی» و «نگاه ملکوتی» حاکم بر حوزه عمومی غربی و حوزه عمومی قدسی قرار دارد.

«حوزه عمومی» هابرماس مبتنی بر مفهوم «جامعه» است، اما «حوزه عمومی قدسی» مبتنی بر مفهوم «امت» است.

طه عبدالرحمن دو نوع کنش «تعاونی» و «تعارفی» را از هم متمایز می‌کند. وی «کنش تعاونی» را مخصوص «جامعه» و «کنش تعارفی» را مخصوص «امت» می‌داند.

از منظر طه عبدالرحمن «جامعه» مجموعه‌ای است از افرادی که برای دستیابی به نیازها و بهره‌مند شدن از خدمات، در کنار هم به فعالیت می‌پردازند. محور حیاتی در جامعه، همکاری و تعاون با هدف غایی حفظ اجتماع و برآورده شدن نیازهاست و نوع همکاری اهمیتی ندارد که تعاون بر خیر باشد یا شر، معروف باشد یا منکر. به علت وجود دو نوع تعاون، آیه شریفه به یکی امر و از دیگری منع می‌کند: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ» (مائده: ۲).

در مقابل، طه عبدالرحمن «امت» را اجتماعی معرفی می‌کند که با نصب‌العین قرار دادن ارزش‌های اخلاقی با واسطه «کنش تعارفی» در مسیر کمال حرکت می‌کند. حقیقت «کنش تعارفی» همان همکاری در عمل به معروف و ترک منکر است، و همه منافعی که می‌تواند به ارتقای شأن انسان کمک کند، در دایره امور نیک و شایسته (معروف)، و همه کارهایی اموری که می‌تواند این انسانیت را به انحطاط بکشد، در دایره کارهای زشت (منکر) قرار می‌گیرد (خانم‌محمدی و دیگران، ۱۳۹۹).

از نظر طه عبدالرحمن، چون محور مهم در جامعه، تعاون با هدف غایی حفظ اجتماع و برآورده شدن نیازهاست و نوع همکاری اهمیتی ندارد، این امر می‌تواند به پدید آمدن روابط سرکوبگر و شکل‌گیری وقاحت در تعامل با دیگران بینجامد (همان). حل مشکل از نظر وی، تنها با پناه بردن به اصلی اسلامی میسر است که تعامل میان جوامع را به رتبه «کنش تعارفی» ارتقا می‌دهد (همان).

بنابراین بر «حوزه عمومی» هابرماس نگاه مِلکی حاکم است و تنها به تأمین نیازهای دنیوی بشر اهتمام دارد، اما «حوزه عمومی قدسی» با نگاهی ملکوتی در پی ارزش‌های الهی است. البته این بدان معنا نیست که حوزه عمومی قدسی نسبت به دنیا و نیازهای مادی و دنیوی انسان‌ها التفاتی ندارد، بلکه تأمین این نیازها براساس ارزش‌های الهی شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر دنیایی را در مسیر آخرت ترسیم می‌کند.

این تفاوت در جهاندانی، یعنی نگاه ملکی یا ملکوتی، نشئت گرفته از نوع عقلانیتی است که بر هریک از این حوزه‌های عمومی حاکم است. هابرماس در پی تحقق عقلانیت ارتباطی است که - درواقع - همان «عقلانیت مدرن سکولار» است و در مقابلش «عقلانیت وحیانی یا قدسی» قرار می‌گیرد. هریک از این دو نوع عقلانیت حوزه عمومی مختص خود را رقم می‌زند؛ زیرا نوع نگاه آنها به هستی (جهاندانی) و نحوه مدیریت جامعه (جهانداری) و تزیین جهان با برخی ویژگی‌ها از سوی آنها با یکدیگر متفاوت است. پس روشن است که «حوزه عمومی قدسی» با «حوزه عمومی غربی» تمایز بنیادین دارد.

«عقلانیت ارتباطی» هابرماس هیچ معنا و حقیقتی برای هستی قائل نیست تا به دنبال کشف آن باشد، بلکه حقیقت را صرفاً توافقات انسانی می‌داند و ماورای توافق بین انسان‌ها معنا و حقیقتی در بین نیست. پس خدا، آخرت و دین هیچ جایگاهی در اندیشه هابرماس ندارند و چیزی جز دنیا و نیازهای دنیوی برای بشر قابل تصور نیست. اما «عقلانیت قدسی» قائل به معنادار بودن جهان و هستی است.

در منظومه «عقلانیت وحیانی» جهان یکپارچه است و انسان جزئی از کلیت جهان به شمار می‌آید. از این رو وقتی از «ارتباط» انسان بحث می‌شود، همواره ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با خلق خدا (یعنی طبیعت و...)، ارتباط انسان با انسان‌های دیگر و سرانجام ارتباط انسان با خویشتن به‌منابه انسان، مطرح است. مطالعه ارتباط انسان با انسان، بدون در نظر گرفتن سایر ابعاد کامل نیست (خانمحمدی، ۱۳۹۱).

به عقیده علامه طباطبائی، معناداری عالم مستلزم «قیامت» و حساب و کتاب است و اگر «عقبا» نباشد، نمی‌توان از معنادار بودن عالم سخن گفت (همان). «دین» یکی از مهم‌ترین چیزهایی است که تمام این معانی را برای ما تشریح و تفسیر می‌کند و مهم‌ترین منبع جهاندانی ما به شمار می‌رود. پس «حوزه عمومی قدسی» مبتنی بر دین و ارزش‌های الهی شکل می‌گیرد.

با این توضیحات، مبرهن است که این دو نوع عقلانیت، دو نوع حوزه عمومی مختص خود را ایجاد خواهند کرد.

طبق داده‌های گردآوری شده، «انگیزه و نیت» دیگر مضمون فراگیری است که در پاسخ به «چرایی» هیأت به‌دست آمده و «کسب معرفت و اندیشه دینی» و «عاطفه و احساس» دو مضمون سازمان‌دهنده مهمی هستند که در ذیل مضمون «انگیزه و نیت» بیان گشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین انتقاداتی که به نظریه «حوزه عمومی» هابرماس وارد است، بی‌توجهی به «کنش عاطفی» است. او و دیگر اندیشمندان تجددگرایی تنها برای «عقلانیت» ارزش قائل بودند و دیگر کنش‌ها را ارزشمند قلمداد نمی‌کردند. هابرماس تنها راه نجات جامعه و بر ساخت حوزه عمومی مدنظر خود را در «عقلانیت ارتباطی» می‌داند و عاطفه و احساس در اندیشه او اهمیتی ندارند و مذموم شاخته می‌شوند.

اما مطابق مصاحبه‌های انجام‌گرفته در هیأت‌های عذاراری «کنش عاطفی» در کنار «عقلانیت دینی» بسیار مدنظر قرار گرفته است. مطابق این دیدگاه، انسان از دو بعد «عاطفه» و «عقلانیت» برخوردار است که هر یک نقش و کارکرد ویژه‌ای ایفا می‌کند. انسان‌ها برای انجام بسیاری از کارهای خود نیازمند عاطفه و احساس هستند. این عاطفه منشأ بسیاری از کنش‌های انسانی است و بدون آن انسان توانایی انجام بسیاری از امور سخت را ندارد. عاطفه به‌منزله موتور محرکی است که عقلانیت را پیش می‌برد و به آن یاری می‌رساند. در اندیشه اسلامی، عاطفه به هیچ وجه مذموم نیست، بلکه نعمت ویژه‌ای از سوی خداوند است. متتها این عاطفه باید بر مبنای عقلانیت شکل

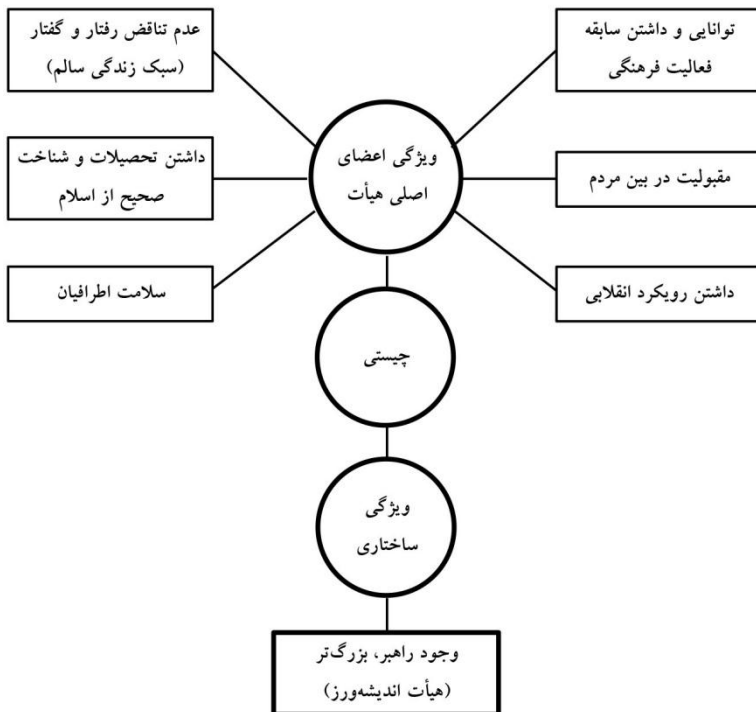
بگیرد و تا زمانی که کنش عاطفی بر مبنای عقلانیت باشد، نه تنها مذموم نیست، بلکه بسیار مطلوب بوده و موجب سعادت انسان است.

بنابراین در «حوزه عمومی قدسی»، «عقلانیت» و «عاطفه» هر دو با هم حضور دارند و موجب هم‌افزایی یکدیگر می‌شوند. به عبارت دیگر «حوزه عمومی قدسی» از دو «حوزه عمومی عقلانی» و «حوزه عمومی عاطفی» تشکیل شده است.

آخرین مضمون که در حیطه فراگیر «انگیزه و نیت» مندرج است، «احیا و گسترش دین» است. بسیاری از افراد برای بزرگداشت شعائر اسلامی و تبلیغ دین، به برگزاری و یا شرکت در هیأت‌های عزاداری اقدام می‌نمایند. هرچند این مضمون در ذیل مضمون «انگیزه و تحلیل» ذکر شده است، لیکن تحلیل جامعه‌شناختی مناسک و شعائر در خصوص «چگونگی» است. از این رو تحلیل این مضمون در آن بخش ارائه می‌گردد:

۳-۴. چیستی هیأت

در این بخش به تحلیل داده‌هایی می‌پردازیم که راجع به «چیستی» (یعنی ویژگی‌های هیأت به مثابه حوزه عمومی قدسی) است. شبکه مضامین ذیل مضمون‌های استخراج‌شده این بخش را به نمایش می‌گذارند.



نمودار ۲: چیستی هیأت

چیستی	ویژگی اعضای اصلی هیأت (مداح، سخنران، اعضای مدیریتی)	عدم تناقض رفتار و گفتار	شخص مداح باید تمام و کمال همان باشد که می‌گوید. قطعاً سبک زندگی این افراد در رصد اعضای هیأت هست. اگر چیزی بگویند که مخالف عملکردشان باشد موجب ریزش در هیأت خواهد شد و در ذهن مخاطب سؤال ایجاد خواهد کرد. برای تأثیرگذاری، افراد باید خودشان عامل باشند.
		توانایی داشتن سابقه فرهنگی	اعضا باید صاحب تجربه باشند، که البته به تدریج به تجربه می‌رسند.
		مقبولیت بین مردم	مداح را مردم باید قبول داشته باشند.
		داشتن رویکرد انقلابی	شما می‌گویید: «مداح سیاسی» و «مداح انقلابی»؛ من می‌گویم: اصلاً این را نمی‌توانید از ساحت حضرت سیدالشهدا <small>علیه السلام</small> جدا بکنید اصل انقلابیگری مال ابی‌عبدالله است، اصلاً ماجرای انقلابیگری را او به راه انداخته است.
		داشتن تحصیلات و شناخت صحیح از اسلام	مداح زمانی می‌تواند موفق باشد که با سواد باشد. اعضای هیأت باید صاحب اندیشه باشند. مداح باید اهل مطالعه باشد تا بتواند شعری که می‌خواند و نکته‌ای که می‌گوید تأثیرگذار باشد. سخنران و مداح باید شناخت درستی از اسلام و اقتضائات زمان داشته باشند.
		سلامت اطرافیان	اطرافیان سالم باشد.
	ویژگی ساختاری هیأت	وجود راهبر و بزرگ‌تر در هیأت	تا زمانی که یک اندیشه‌ورز بالای سر هیأت نباشد این مجموعه فقط یک هیأت سینه‌زنی است. خیلی از مشکلات «هیأت‌نارالله» به علت نبود راهبر و بزرگ‌تر است. عمدتاً هیأت‌هایی موفق بوده‌اند که بزرگ‌تر داشته‌اند و به لحاظ نظری و عملی کاربرد بوده‌اند. این بزرگ‌تر نقش خیلی مهمی می‌تواند در هیأت ایفا کند، متأسفانه از آن غفلت می‌شود.

جدول ۲: چیستی هیأت

مطابق مصاحبه‌های انجام‌گرفته و مضامین استخراج‌شده، مداح، سخنران و اعضای مدیریتی هیأت نقش بسزایی در مدیریت و راهبرد هیأت ایفا می‌کنند و برای اینکه هیأت بتواند به‌منابه «حوزه عمومی» عمل کند این افراد باید از ویژگی‌هایی برخوردار باشند.

ویژگی‌هایی که برای اعضای اصلی هیأت، اعم از مداح، سخنران و حلقه مدیریتی ذکر شده عبارتند از: داشتن تحصیلات، سبک زندگی سالم، عدم تناقض رفتار با گفتار، سلامت اطرافیان، داشتن رویکرد انقلابی، سابقه فعالیت فرهنگی، توانایی، مقبولیت بین مردم، شناخت صحیح اسلام.

همچنین یک ویژگی نیز برای ساختار هیأت در نظر گرفته شده و آن عبارت است از: وجود یک راهبر یا هیأت اندیشه‌ورز (وجود بزرگ‌تر) در رأس هیأت.

وجه اهمیت مداح، سخنران و اعضای مدیریتی هیأت به سبب جایگاهی است که به‌عنوان «پیام‌فرست» در فرایند ارتباطات بر عهده دارند. زمانی هیأت می‌تواند به‌مثابه «حوزه عمومی قدسی» عمل کند که ارتباطات درون این «حوزه عمومی» به نحو صحیح شکل بگیرد تا هدف از ارتباطات حاصل گردد. از این رو هریک از عناصر و ارکان ارتباطات باید دارای ویژگی‌هایی باشند. در همین زمینه مسئله «اعتبار منبع» مطرح می‌شود.

یکی از موضوعات محوری در مباحث ارتباطات، اعتبار منبع و ویژگی‌های مبدأ پیام است. ارسطو، نخستین روانشناس اجتماعی، بیش از سیصد سال قبل از میلاد حضرت مسیح ﷺ به اهمیت اعتبار منبع اذعان داشته و معتقد بوده است: «گفتار نیک‌مردان را کامل‌تر و آسان‌تر از دیگران باور می‌کنیم» (خانمحمدی، ۱۳۸۶).

۱-۳-۴. ویژگی‌های پیام‌فرست

ویژگی‌هایی که برای «پیام‌فرست» ذکر شده عبارتند از:

۱-۳-۴-۱. داشتن تحصیلات و شناخت صحیح از اسلام

هیأت زمانی می‌تواند به‌مثابه «حوزه عمومی» عمل کند که «پیام‌فرست» بتواند پیام‌هایی را متناسب با «حوزه عمومی قدسی» ارسال کند، و این زمانی اتفاق می‌افتد که پیام‌فرست خود دانش کافی و شناختی صحیح از آموزه‌ها و معارف دینی داشته باشد. در غیر این صورت ارزش‌های غیرالهی ارسال شده، ارتباطات قدسی را مختل کرده، در نهایت، «حوزه عمومی قدسی» را به انحراف می‌برند. در حدیثی از رسول اکرم ﷺ آمده است: «دین خداوند متعال را هرگز یاری نخواهد کرد، مگر کسی که به تمامی جوانب آن آگاهی داشته باشد» (همان).

۱-۳-۴-۲. عدم تناقض رفتار و گفتار

باید میان رفتار و گفتار (پیام) پیام‌فرست تناقضی نباشد؛ زیرا این تناقض حاصل عدم صداقت در گفتار است. پیام زمانی می‌تواند بر مخاطبان تأثیرگذار باشد که مخاطبان (گیرندگان پیام) به صداقت پیام‌فرست ایمان داشته باشند تا پیام وی را بپذیرند و از آن تأثیر بگیرند.

۱-۳-۴-۳. سلامت اطرافیان

دیگر ویژگی مطرح‌شده در مصاحبه‌ها «سالم بودن اطرافیان پیام‌فرست» است؛ زیرا گیرندگان پیام اطرافیان پیام‌فرست را نیز جزئی از سبک زندگی او به حساب می‌آورند، و در صورتی که وی از اطرافیان سالم و ارتباطات سالمی برخوردار نباشد، سبک زندگی وی را معیوب لحاظ کرده و در نهایت، حکم به تناقض رفتار و کردار می‌نمایند،

که در سطور پیشین بدان پرداخته شد. همچنین هر شخصی متأثر از اطرافیان خویش است و به انحای گوناگون می‌تواند از آنان تأثیر بپذیرد.

۴-۱-۳. داشتن رویکرد انقلابی

چون «حوزه عمومی» رویکرد اصلاحی و انقلابی نسبت به شرایط اجتماعی سیاسی دارد، پیام‌فرست نیز باید از رویکردی انقلابی برخوردار و از محافظه‌کاری بدور باشد.

۴-۱-۵. مقبولیت بین مردم

پیام‌فرست آنگاه می‌تواند در مخاطبان تأثیرگذار باشد و پیام خود را به آنان انتقال دهد که گیرندگان پیام نسبت به پیام‌فرست از دیدگاه مثبت و مطلوبی برخوردار باشند. در صورت نگاه منفی به پیام‌فرست، مانعی بزرگ در فرایند برقراری ارتباطات وجود دارد که آن را دچار اختلال خواهد کرد و گیرندگان پیام از دریافت پیام خودداری خواهند نمود. اما اینکه چگونه پیام‌فرست باید مقبولیت کسب کند، بحث جداگانه‌ای است که در بخش «چگونگی» به برخی از جوانب آن اشاره خواهد شد.

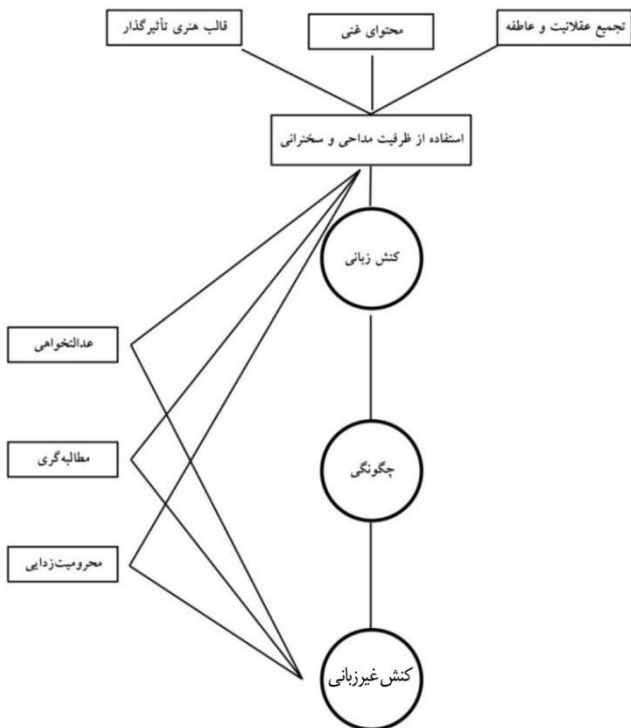
۴-۱-۶. توانمندی و داشتن سابقه فعالیت فرهنگی

برقراری ارتباطات در برخی موارد، از جمله در فعالیت‌های فرهنگی از فرایندهای پیچیده‌ای برخوردار است. از این‌رو نیازمند توانایی‌های ویژه‌ای است. از جمله این توانایی‌ها می‌توان به مخاطب‌شناسی، شناخت مسائل و چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی روز، و آشنایی با نحوه تربیت اشاره کرد.

از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که برای ساختار هیأت مدنظر بوده، وجود یک بزرگ‌تر و یا یک راهبر است. مجموعه هیأت‌های عزاداری برای یک کار تشکیلاتی دینی و فرهنگی نیازمند راهبری است که خود از توانایی‌های لازم و تجربه کافی برخوردار باشد و بتواند مجموعه را مدیریت کند. بنابر اذعان برخی صاحب‌شوندگان، مجموعه‌هایی در کار فرهنگی و دینی موفق بوده‌اند که از وجود یک بزرگ‌تر و یا یک راهبر برخوردار بوده‌اند. این «بزرگ‌تر» یا «راهبر» معمولاً از سن و سال بیشتر و از تجربه لازم برخوردار است. همچنین وی دارای معلومات دینی و فرهنگی بالایی است.

۴-۴. چگونگی هیأت

در بخش چگونگی هیأت به بیان این موضوع می‌پردازیم که هیأت چگونه به‌مثابه «حوزه عمومی قدسی» عمل می‌کند؟ برای نیل به این منظور ابتدا داده‌های گردآوری‌شده در قالب شبکه مضامین ارائه می‌گردند و سپس به تحلیل و تفسیر آنها می‌پردازیم:



نمودار ۳: چگونگی هیأت

<p>کنش زبانی (استفاده از ظرفیت مداحی و سخنرانی)</p>	تجمیع عقلانیت و عاطفه	حضرت آقا (مقام معظم رهبری) گفتند: «عاطفه»، «عقل» و «حماسه»؛ این سه عنصر باید با هم باشند.
	محتوای غنی	عقلانیت در مداحی بازتاب داشته باشد. محتوا هم خیلی مهم است؛ نباید فرم‌زده شد. از همان سال‌های ابتدایی دغدغه محتوا داشته باشیم. مردم را صاحب تحلیل بکنید.
	قالب هنری تأثیرگذار	استفاده از شعر و کلام برای تبلیغ محرومیت‌زدایی و دستگیری از ایتم و مستضعفان؛ باید هنرمندانه کار کرد. فضای هیأت و نوع تبلیغات هیأت بسیار مهم است... از ابزارهای ارتباطی و تبلیغی مقبول متناسب با روز استفاده شود.
	عدالت‌خواهی	دین می‌خواهد همه را با هم بالا ببرد و رشد نباید کاریکاتوری باشد؛ مثل کمک و هموعی در زلزله، خیریه آموزش و مانند آن. اگر این دسته از فعالیت‌ها را داشته باشیم می‌توانیم جریان‌سازی کنیم. درد جامعه را بگوییم. یقه مسئول را بگیریم.

چگونگی	کنش غیرزبانی	مطالبه‌گری	هیأت باید مطالبه‌گری کند، در عرصه عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی. ما به جای اینکه حرف بزنی، اگر درد مردم را بگوئیم مردم استقبال می‌کنند.
		محرومیت‌زدایی	حضور عملی اعضای هیأت در بستر اجتماع موثرترین راهکار برای تعامل است. دین می‌خواهد همه را با هم بالا ببرد و رشد نباید کاریکاتوری باشد؛ مثل کمک و هموعی در زلزله، خیریه آموزش و مانند آن. اگر این دسته از فعالیت‌ها را داشته باشیم می‌توانیم جریان‌سازی کنیم.
		عدالت‌خواهی مطالبه‌گری محرومیت‌زدایی	در تجمع و راهپیمایی اعتراضی (مربوط به حوادث امنیتی دی‌ماه ۱۳۹۶) گفتیم: درد مردم را بگوئید، مشکلات مردم را مطالبه کنید. هیأت فقط گریه نمی‌کند، سینه نمی‌زند، بلکه به داد مردم هم می‌رسد. ایجاد قرارگاه خیریه پناه برای محرومیت‌زدایی و اشتغال.

جدول ۳: چگونگی هیأت

از مهم‌ترین کارکردهای «حوزه عمومی»، تأثیرگذاری بر افکار عمومی است. به‌عبارت دقیق‌تر، زمانی می‌توان از «حوزه عمومی» سخن گفت که افکار عمومی انتقادی شکل گرفته باشد. هابرماس زوال «حوزه عمومی» را زمانی می‌داند که افکار عمومی انتقادی جای خود را به افکار عمومی منفعلانه داده، و افراد منتقد فرهنگی به افراد منفعل و مصرف‌کننده فرهنگی تبدیل شده باشند و این ناشی از نفوذ اصحاب قدرت و ثروت است که از طریق رسانه‌های جمعی و مطبوعات، افراد جامعه را به سمت آگهی و تبلیغات تجاری در جهت تأمین منافع خود سوق می‌دهند.

پس از شکل‌گیری افکار عمومی، «حوزه عمومی» به‌منابه «حوزه سیاسی غیررسمی» می‌تواند بر حکومت و ساختار اجتماعی تأثیرگذار باشد و به عنوان مصلح اجتماعی عمل کند. بنابراین در این بخش از نوشتار این مسئله را بررسی می‌کنیم که هیأت چگونه می‌تواند بر شکل‌گیری افکار عمومی و بر ساختار اجتماعی اثرگذار باشد؟

همچنان‌که اشاره شد، «حوزه عمومی قدسی» تفاوت‌های بنیادینی با حوزه عمومی غربی دارد. هابرماس تنها قوانینی را مشروع می‌داند که از «حوزه عمومی» و از طریق کنش ارتباطی برخاسته باشد، و حال آنکه «حوزه عمومی قدسی» بر محور ارزش‌های الهی و اسلامی و تحقق آنها شکل می‌گیرد. با توجه به این نکته، مسئله این بخش را می‌توان این‌گونه بیان کرد که هیأت به‌منابه حوزه عمومی چگونه افکار عمومی را منطبق با ارزش‌های الهی شکل می‌دهد؟ و چگونه می‌تواند ساختار اجتماعی و حکومت را مطابق ارزش‌های الهی تحت تأثیر قرار دهد؟

هیأت به‌منابه «حوزه عمومی قدسی» تنها بر «کنش زبانی» تکیه ندارد و بر «کنش غیرزبانی» نیز تأکید دارد که در ادامه به تشریح هریک می‌پردازیم:

۵. استفاده از ظرفیت مداحی و سخنرانی

«مداحی» و «سخنرانی» دو رکن اساسی هیأت‌های عزاداری هستند که در انتقال ارزش‌های عاشورایی و شکل‌گیری افکار عمومی نقش بسزایی ایفا می‌کنند. مطابق نظریه «کارکردگرایانه گفتار»، کارکرد مداح و سخنران در هیأت‌های عزاداری عبارت است از: ایجاد درک مشترک میان مخاطبان و ایجاد نوعی اجماع ذهنی براساس آموزه‌های عاشورایی و ارزش‌های الهی.

مداح و سخنران از طریق «کنش زبانی» سعی بر این دارند تا با انتقال مفاهیم و ارزش‌های الهی بر مخاطبان تأثیر بگذارند. اما این تأثیرگذاری صرفاً بر ساحت اندیشه نیست، بلکه «عقلانیت» و «عاطفه» هر دو با هم مد نظرند؛ یعنی سعی می‌شود افراد، هم در ساحت اندیشه به یک افکار عمومی مشترک دست یابند و هم در ساحت عاطفه و احساس به یک احساس جمعی مشترک برسند. به عبارت دیگر «حوزه عمومی عقلانی» و «حوزه عمومی عاطفی» هر دو با هم شکل می‌گیرند.

پیام‌هایی که از جانب مداح و سخنران ارسال می‌گردند باید از محتوایی غنی برخوردار باشند، به گونه‌ای که بتوانند اندیشه مخاطبان را رشد دهند و معرفت آنان را نسبت به معارف الهی و ارزش‌های عاشورایی افزایش دهند. اگر هدف «حوزه عمومی قدسی» تأثیرگذاری بر ساختار اجتماعی و سیاسی جامعه است تا آن را به سمت ارزش‌های الهی سوق دهد، لازمه‌اش شناختی دقیق از دین الهی است.

شرط دیگری که حائز اهمیت است استفاده از قالب هنری تأثیرگذار است. برای تبلیغ دین و انتقال ارزش‌های الهی، به منظور تأثیرگذاری بر اندیشه مخاطبان، باید از قالب‌هایی استفاده نمود که برای مخاطبان جذاب باشد تا زمینه تسهیل دریافت و فهم پیام را فراهم سازد.

«حوزه عمومی» بر جماعت منتقد و تحلیلگر فرهنگی استوار است، نه بر جماعت منفعل و مصرف‌کننده فرهنگی. بر این اساس محتوای مداحی و سخنرانی باید از رویکردی انقلابی، مطالبه‌گرانه و عدالتخواهانه برخوردار باشد تا افراد را به عموم منتقد و فعال تبدیل کند و از حالت تخدیری و منفعلانه خارج سازد.

تا اینجا مطالبی که ارائه گشت، مبتنی بر عنصر «زبان»، «کنش زبانی» یا «ارتباط کلامی» بود. ارتباطات و کنش‌های اجتماعی که در درون «حوزه عمومی قدسی» انجام می‌شود براساس «الگوی تلفیقی» است؛ یعنی هم «کنش زبانی» است و هم «کنش غیرزبانی». الگوی هابرماس صرفاً مبتنی بر «کنش زبانی» بود و او سعی کرد با چرخش از «فلسفه آگاهی» به «فلسفه زبان» با استفاده از عنصر «زبان» به «کنش ارتباطی» دست یابد؛ اما در «حوزه عمومی قدسی» علاوه بر «کنش زبانی» از «کنش غیرزبانی» نیز بهره گرفته می‌شود.

اندیشه و احساسات افراد صرفاً از طریق ارتباط کلامی تأثیر نمی‌پذیرد، بلکه ارتباطات غیرکلامی نیز بسیار حائز اهمیت‌اند؛ یعنی بدین‌گونه نیست که برای تأثیرگذاری بر افکار و شکل‌گیری افکار عمومی، تنها عنصر «زبان» کارگشا باشد، بلکه در بسیاری از موارد، اندیشه و افکار متأثر از ارتباطات غیرکلامی است.

حدیث «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ اَلْوَرَعَ وَ اَلْاِحْتِهَادَ وَ اَلصَّلَاةَ وَ اَلْخَيْرَ فَاِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ» (کلینی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۷۸) ناظر به همین نکته است. در این حدیث که از امام صادق علیه السلام نقل شده است، دعوت به دین و ارزش‌های الهی را از طریق «کنش غیرزبانی» توصیه می‌کند. در بسیاری از ساحت‌های فردی و اجتماعی شدت تأثیرگذاری از طریق «کنش غیرزبانی» بیشتر است. از این رو برای شکل‌گیری «حوزه عمومی قدسی» نباید به «ارتباط کلامی» و «کنش زبانی» اکتفا کرد. در نمونه در دست مطالعه این پژوهش (یعنی «هیأت ثارالله» زنجان) این امر مشهود بوده و در مصاحبه‌های انجام‌گرفته بدان اشاره شده است.

«عدالتخواهی»، «مطالبه‌گری» و «محرومیت‌زدایی» مضامین مهمی هستند که در کنش غیرزبانی نیز مطمح‌نظر قرار گرفته‌اند.

در بحث «عدالتخواهی» و «مطالبه‌گری» نباید صرفاً به «کنش زبانی» اکتفا نمود. هرچند «عدالتخواهی» و «مطالبه‌گری» در کنش زبانی (مداحی / سخنرانی) نیز دارای اهمیت بوده و تأثیرگذار است، لیکن اقامه عدالت و مطالبه‌گری در «کنش غیرزبانی» نیز از اهمیت شایانی برخوردار است و تأثیر آن به مراتب بیش از «کنش زبانی» است. «کنش غیرزبانی» نیز هر دو ساحت «عقلانیت» و «عاطفه و احساس» را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

آبراهام مازلو به پنج دسته نیازهای فطری اشاره می‌کند:

۱. نیازهای جسمی؛ ۲. نیاز به ایمنی؛ ۳. نیاز به روابط اجتماعی و محبت؛ ۴. نیاز به تأیید و احترام؛ ۵. نیاز به خویشتن‌یابی (رفیع‌پور، ۱۳۸۷، ص ۴۱).

یکی از مهم‌ترین منابع تولید ارزش در جامعه، نیازهای انسانی است. همچنان‌که اشاره شد، انسان دارای برخی نیازهای فطری است و این نیازها برای انسان‌ها ارزش محسوب می‌شود. وسایل و واسطه‌هایی که به تأمین این نیازها کمک کنند نیز با ارزش تلقی می‌شوند.

هیأت‌های عزاداری در صورتی که مرجع پاسخ‌گویی به این نیازها و تأمین آنها شناخته شوند به یک «ارزش» تبدیل خواهند شد. زمانی که هیأت عزاداری به‌منابه یک گروه مرجع تلقی شود، افراد ارزش‌ها و اندیشه‌های خود را تابع هیأت عزاداری قرار می‌دهند و ارزش‌های الهی و عاشورایی هیأت به افکار عمومی تبدیل خواهد شد. در این صورت، لایه دیگر فرهنگ، یعنی هنجارها نیز مطابق ارزش‌های الهی شکل خواهد گرفت.

تبدیل شدن به الگوی مرجع و تأثیرگذاری بر افکار، صرفاً بعد عقلانی ندارد، بلکه عاطفه و احساس نیز نقش دارد. حتی می‌توان ادعا نمود که در چنین مواردی نقش عاطفه و احساس بیش از عقلانیت است.

در صورتی که ارزش‌های الهی در قالب اسلام سیاسی به افکار عمومی جامعه تبدیل شوند، نیازها، خواسته‌ها و قوانین و الگوی مطلوب اجتماعی جامعه نیز مطابق این ارزش‌ها شکل خواهند گرفت.

«اقتصاد» و «امنیت» علاوه بر «فرهنگ» از جمله عرصه‌هایی هستند که هیأت عزاداری می‌تواند به‌عنوان کنشگر اجتماعی عمل نماید و از طریق «کنش غیرزبانی» در این زمینه‌ها بر افراد جامعه تأثیر بگذارد.

نیازهای اقتصادی بیشتر مدنظر افراد جامعه قرار می‌گیرند و نیاز اساسی تلقی می‌شوند و در بسیاری از بحران‌های اجتماعی، اقتصاد نیز دچار مشکل می‌شود.

«جماعت جوانمردان» یا «اهل فتوت» افرادی بودند که در بحران‌های امنیتی و اقتصادی به یاری مردم و قشر مستضعف می‌پرداختند و این عمل کارکردهای فراوانی در پی داشت. هیأت نیز در بسیاری از برهه‌های تاریخی در همین جایگاه ایفای نقش کرده است (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: رحمانی، ۱۳۹۲).

جامعه ایران همواره در طول تاریخ آماج تهاجم دشمنان واقع شده و بحران‌های امنیتی فراوانی را تجربه کرده است. در دوران پس از انقلاب اسلامی نیز تجربه چنین بحران‌هایی وجود داشته است که برای نمونه می‌توان به دوران جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران اشاره کرد.

در این دوران، گونه‌ای از هیأت‌های عزاداری شکل گرفتند که «هیأت‌های انقلابی دوران جنگ» نامیده می‌شوند. این گونه هیأت‌های مذهبی چندی پس از آغاز جنگ تحمیلی و برای تطبیق الگوی دفاع مقدس و واقعه عاشورا، براساس ایدئولوژی و آرمان‌های انقلاب اسلامی و با گفتمان «تشیع انقلابی و مبارزاتی»، در جبهه‌های جنگ و نیز در شهرها شکل گرفتند. این هیأت‌های عزاداری تأثیری چشمگیر در تقویت روحیه رزمندگان و معنابخشی به جنگ تحمیلی و تبدیل آن به دفاع مقدس ایفا کردند (مظاهری، ۱۳۸۹، ص ۳۶۸).

یکی از مضامینی که در بخش «چرایی» هیأت مطرح شد، مضمون «تعظیم شاعر» بود. اما چون این مفهوم با این بخش نیز تناسب داشت و تحلیل کارکرد تعظیم شاعر به فهم ما از «چگونگی» هیأت کمک می‌کند، از این رو این مضمون را در این بخش ارائه کردیم.

یکی از راه‌های ترویج ارزش‌های الهی و نهادینه شدن آنها در اذهان افراد، تجربه ایمانی و دینی است. زمانی که انسان ارزش‌هایی را در مقام عمل تجربه می‌کند آن ارزش‌ها را درونی می‌کند.

دین از دو رکن «باورها» و «اعمال» تشکیل شده است و باید این دو را در ارتباط با هم تحلیل کرد. نکته اساسی این است که باورها اعمال و مناسک را رقم می‌زنند و مناسک و اعمالی دینی نیز متقابلاً بر باورها تأثیرگذارند و موجب تعمیق باورهای دینی می‌شوند.

بنابراین برای حاکمیت ارزش‌های الهی نباید به ساحت نظر اکتفا کرد، بلکه باید این ارزش‌ها را در مقام عمل نیز تجربه نمود. کلام امام خمینی علیه السلام دقیقاً ناظر به همین مسئله است که فرمود: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۵، ص ۳۳۰)؛ زیرا اسلام نه فقط از مباحثات کلامی، بلکه از طریق تجربه ایمانی و از خلال شاعر نیز بقا یافته است. بنابراین برای ایجاد «حوزه عمومی قدسی» به بستری نیاز است تا مؤمنان ارزش‌های الهی را در آنجا تجربه کنند و هیأت عزاداری از مهم‌ترین مکان‌هایی است که این تجربه در آن روی می‌دهد.

یکی دیگر از مهم‌ترین کارکردهای شاعر، انتقال ارزش‌ها و هنجارهاست. بسیاری از افراد ارزش‌ها و هنجارهای دینی خود را در خلال مناسک دینی فرامی‌گیرند. بنابراین هیأت وظیفه تربیت افراد جدید را نیز برعهده دارد و آنان را مهیای ورود به «حوزه عمومی قدسی» می‌کند.

نتیجه‌گیری

با نگاهی به تاریخ اجتماعی جهان اسلام و تشیع، می‌توان دریافت که آیین سوگواری امام حسین^ع نقش بسزایی در تحولات اجتماعی و سیاسی ایفا کرده و همواره بر افکار عمومی جامعه تأثیرگذار بوده است. این به سبب ظرفیت عظیمی است که در نهضت عاشورا نهفته است. بنابراین فرضیه‌ای که به ذهن متبادر می‌شود این است که آیین سوگواری امام حسین^ع - که امروزه «هیأت» قالب رایج آن است - می‌تواند به‌مثابه «حوزه عمومی قدسی» عمل نماید و در برخی برهه‌های تاریخی، نمونه‌هایی از این «حوزه عمومی قدسی» را شاهد بوده‌ایم.

در بخش «چرایی»، مضامینی همچون «اسلام سیاسی» و «معنویت‌گرایی» ذیل مضمون فراگیر «مبانی فکری» قرار گرفت. مضمون «اسلام سیاسی» یکی از مهم‌ترین شرط‌های تبدیل هیأت به «حوزه عمومی» است که در کنار آن، مضمون «معنویت‌گرایی» قرار دارد که «حوزه عمومی» را به سوی «قدسی بودن» هدایت می‌کند و بیانگر یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های بنیادین بین «حوزه عمومی غربی» و «حوزه عمومی قدسی» است.

«کسب اندیشه دینی»، «گسترش دین»، «آثار روانی و عاطفی»، و «آثار اخلاقی» دیگر مضامینی هستند که در ذیل مضمون فراگیر «انگیزه و نیت» در بخش چرایی قرار دارند.

«حوزه عمومی قدسی» نه تنها عقلانیت، بلکه عاطفه و احساس را نیز دربر می‌گیرد.

در بخش «چستی» ویژگی‌هایی برای اعضای اصلی هیأت ذکر شده که عبارتند از: عدم تناقض رفتار با کردار، توانایی و داشتن سابقه فعالیت فرهنگی، داشتن تحصیلات و شناخت صحیح از اسلام، مقبولیت بین مردم، سلامت طرفیان، داشتن رویکرد انقلابی. همچنین ویژگی ضروری برای ساختار هیأت عبارت است از: دارا بودن یک رهبر و یا یک بزرگ‌تر که از تجربه و توانایی لازم برخوردار باشد تا هدایت مجموعه را برعهده گیرد. براساس تحلیل مضامین، هیأت در صورتی می‌تواند به‌مثابه «حوزه عمومی» عمل نماید که از ویژگی‌های مزبور برخوردار باشد و در غیر این صورت، با اختلال مواجه خواهد شد.

در بخش «چگونگی» نیز هیأت به‌مثابه «حوزه عمومی قدسی» که در پی ایجاد دنیایی در مسیر آخرت است و بر آن است تا سعادت دنیوی و اخروی را باهم تأمین کند، و در این مسیر، هم از «کنش زبانی» و هم از «کنش غیرزبانی» بهره می‌گیرد.

«مداحی» و «سخنرانی» دو رکن اصلی هیأت‌های عزاداری‌اند و مطابق نظریه «کارکردگرایانه زبان»، کارکرد مداح و سخنران در هیأت‌های عزاداری عبارت است از: ایجاد درک مشترک میان مخاطبان و ایجاد نوعی اجماع ذهنی براساس آموزه‌های عاشورایی و ارزش‌های الهی.

همچنین هیأت از طریق «کنش غیرزبانی» نیز می‌تواند بر تشکیل «حوزه عمومی قدسی» تأثیر بگذارد و آن زمانی است که هیأت از طریق «کنش غیرزبانی» بر تحقق ارزش‌های الهی در جامعه اهتمام داشته باشد و حکومت را نسبت به تحقق ارزش‌های الهی امر به معروف کرده و مطالبه‌گری و عدالتخواهی کند و خود نیز در جهت رفع نیازهای عامه مردم کنشگری نماید و از این طریق، علاوه بر حل مشکلات، افکار عمومی را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد.

منابع

- حسینیان، روح‌الله، ۱۳۸۲، سه سال ستیز مرجعیت، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خانمحمدی، کریم و دیگران، ۱۳۹۹، «کنش‌رهای بخش در اندیشه طه عبدالرحمن»، معرفت فرهنگی/اجتماعی، ش ۴۳، ص ۶۸-۵۱
- خانمحمدی، کریم، ۱۳۹۱، «مقایسه عقلانیت ارتباطی با عقلانیت وحیانی (براساس دیدگاه‌های هابرماس و علامه طباطبائی)»، علوم سیاسی، ش ۵۷، ص ۳۱-۷۴.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۳، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران.
- رحمانی، جبار، ۱۳۹۲، هیأت‌های عزاداری در جامعه ایرانی، اصفهان، آرما.
- _____، ۱۳۹۳، تغییرات مناسک عزاداری محرم، تهران، تیسرا.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۷، آنا‌تومی جامعه، چ پنجم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- زارعی، آرمان، ۱۳۹۴، «پست سکولاریسم؛ مذهب و حوزه عمومی در اندیشه یورگن هابرماس»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۲، ص ۷۰-۱۱۱.
- قبادی، علیرضا، ۱۳۹۵، اصلاح ساختاری و غنی‌سازی محتوایی مراسم دینی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____، ۱۳۹۷، عاطفه‌گرایی و عقل‌گرایی در مراسم مذهبی، اصفهان، آرما.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۹۷، الکافی، چ چهارم، قم، دارالحدیث.
- کچوئیان، حسین، ۱۳۷۵، «اصلاح و سازماندهی محافل و مجامع دینی»، در: مجموعه مقالات بر سبب از حماسه و حضور، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- گوردون، جیمز، ۱۳۹۷، درآمدی بر هابرماس، ترجمه هاشم آقابیگی‌پور و جلیل سحابی، تهران، جامعه‌شناسان.
- مظاهری، محسن حسام، ۱۳۸۹، رسانه‌تشیعه، چ سوم، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- _____، ۱۳۹۷، تراژدی جهان اسلام؛ عزاداری شیعیان ایران به روایت سفرنامه‌نویسان، مستشرقان و ایران‌شناسان از صفویه تا جمهوری اسلامی، اصفهان، آرما.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۹، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- هابرماس، یورگن، ۱۳۹۲، دگرگونی ساختاری حوزه عمومی، ترجمه جمال محمدی، تهران، افکار.